



چکیده

در این نوشتار، سعی بر آن است نسبت و تعامل باطن و حقیقت وجود فاطمه زهرا علیها السلام با حقیقت وجود و باطن «**لیلة القدر**» مقایسه شود و در محورهای «تعیّن و تعیین اصل وجود» و «هندسه خلقت و شریعت»، بر ویژگی های اشتراکی و مشابهت های این دو آفریده عظیم تأکید گردد. در این مقاله، منزلت سه عالم «سرشت»، «سرنوشت» و «شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام» با رویکردی تطبیقی بررسی می شود.

مقدمه

معرفت به همه مؤلفه های شخصیت برجسته و هستی شاخص و ممتاز یگانه زنان در همه اعصار و امصار و در دو عالم پیدا و پنهان بسیار مشکل و معسور می نماید؛ چه اینکه از حیث «هویت وجودی» نه «ماهیت مفهومی» و حقایق درون ذاتی، از باب «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (1) تکرارناپذیر و همتانابردار و ادراک ناشدنی است؛ و هرچه از حیث وجودی، قوی تر، شدیدتر و کامل تر بوده و تجرّد بیشتری داشته باشد و به هستی محض قرب یابد مصداق «لَا يَدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ» (2) خواهد شد که نه حکیم با ادراک حصولی و نه عارف با ادراک حضوری خویش، توان درک و معرفت به قلّه های بلند و منیع ذات و شخصیت وجودی او را ندارد و عرفان به آن انسان کامل هر آینه اعتراف به «جهل» و «عجز» از معرفت به حقیقت ذاتی اوست. اما راه ورود به بهشت ذات و جنت وجود و هستی او نیز مسدود و بسته نیست، بلکه معرفت به مراتب و درجاتی از هستی و کمالات وجودی او ممکن و میسر است؛ یعنی اکتناه به ذات انسان کامل، که مظهري از «لَيْسَ كَمِثْلِهِ

شَیْءٌ» (شوری: 11) و «وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُؤًا أَحَدٌ» (توحید: 4) شده و جامع اسماء جمال و جلال الهی است و کون جامع، تا غیب و شهادت وجود مطلق و مضاف هستی را در خانه خویشتن به هم گره زده، راه ورود به حقیقت ذاتش را بر روی نامحرم و محرومان از تماشگاه راز مسدود می نماید و تنها محرم دل در حرم وجود و حریم هستی تشبیه یافته به هستی مطلق و مطلق هستی او راه دارند تا «لَمْ یَحْجِبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ» (3) نیز صورت پذیرد و الگوشناسی و الگوپذیری در مقام استکمال وجودی با حرکت جوهری، تجدد امثالی و حرکت حبی (4) تعین یابد.

شخصیت جامع الابعاد و بلکه جامع الاضداد انسان کاملی همچون فاطمه زهرا علیهاالسلام و وجود نورانی و الهی آن انسان معصوم و حجت بالغه و خلیفه خدای سبحان به دلیل قرب وجودی به وجود مطلق، قابل ادراک به تمام معنا و معرفت پذیر به صورت کامل و جامع و تمام عیار نیست و از جمله، تشابه و تقارب وجودی لیلۃ القدر و فاطمه زهرا علیهاالسلام در همین نکته بلیغ، عمیق و انیق نهفته است که چنان که «لَیْلَةُ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر: 12)، و «إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» (5) و لیلۃ القدر مراتب پذیر و مشکک و فاطمه علیهاالسلام نیز از حیث وجودی مرتبه پذیر و دارای درجات وجودی است که باید برای ادراک به قدر میسر و ممکن آن یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله رقای وجودی و توسعه در هستی و بسط ذاتی یافت و به مقام لیلۃ القدر تقرّب پیدا کرد.

خدای سبحان عقل و دل انسان را مستعد و شایسته معرفت به اسوه های جمال و جلالی اش قرار داد که انسان متکامل در پرتو هدایت، حمایت، ارشاد و اشارت انسان کامل، که انسان مکمل است، باید به عقل پروری و مهرورزی و محبت وجودی سیر صعودی یابد و قوس صعود را در عوالم وجود طی نماید تا به شبستان شهود و بزم وجود همچون فاطمه ای معصوم و ثمره شجره وجود بار یابد.

آری، انسان های تشنه کمال و شائق وصال و مشتاق دیدار حضرت حق سبحانه راهی جز ورود به دارالشهود شخصیت بی همتای انسان کاملی چون صدیقه طاهره علیهاالسلام ندارند ... و نسل جدید و جوان جامعه جهانی امروز و مدینه فاضله اسلامی برای خروج از بحران هویت و فقرشناسنامه حقیقی و رهایی از خطر و آفت فطرت سوز و ویرانگر جوهره وجود یعنی از خود بیگانگی بایسته است که از «فصل» و «غربت» با شخصیتی همچون فاطمه علیهاالسلام، که در حکمت علمی و عینی، عرفان نظری و عملی، اخلاق قولی و فعلی، درک و درد دینی، عدالت فکری، اخلاقی و عملی، قسط فردی و اجتماعی، حکمت و حکومت فراگیر و جهان شمول، عقل تعالی یافته در دو ساحت علامه و عماله و عشق و محبت راستین و جاودانه و خیر جامع دنیا و آخرت و سعادت مادی و معنوی و ... سرآمد و الگوی جاودانه و تمام نانشدنی و به تعبیر شیرین و دلنشین قرآن کریم، «کوثر» یا خیر و نعمت فزاینده و متزاید و زوال ناپذیر و ابدی است، انس ذهنی، ذاتی و عملی و حشر متافیزیکی و وجودی یافته، آن انسان برتر و نمونه را سرمشق حیات معقول و سرلوحه زندگی پاک خویش قرار دهد تا با فاطمه شناسی و فاطمه گرایی، حیات طیبه یابد و به فطرت خویش بازگردد و به اصل خود واصل شود و بر روزگار فصل و فراق از خود حقیقی و من علوی خویش خط بطلان بکشد و به «از کجا آغاز کنیم» که پرسشی عقلانی و تکامل گرایانه است، با «از فاطمه» پاسخ دهد تا بازگشت به خویشتن را تجربه کند و دو سر حلقه هستی و آغاز و انجام نظام وجود را دریابد، که حدیث «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُکُمَا» (6) از آغاز هستی با نام و یاد و حقیقت نوری فاطمه علیهاالسلام و حضور باهرالنور او در صحنه حشر اکبر و نغمه ملکوتی و غریو رحمانی «آین الفاطمیون» (7) به فرجام حیات ابدی و جاودانه انسان به هم سرشته گردد و انسان متکامل رهین فیض وجودی و نعمت پایدار

کوثر آفرینش و گوهر خلقت و پاره تن سید کائنات و کفو علی علیه السلام قرار گیرد و در ظل توجهات آن انسان هادی، این انسان هابط به مقام صعود در هبوط بپردازد و مصداق «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر: 10) قرار گیرد تا در سایه سار شجره پاک و پرثمر ایمان و عمل صالح، به کمال امکانی خویش نایل گردد و آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: 97) را در فکر، فعل و انگیزه خویش متجلی سازد و چنین انسانی هویت مدار و شناسنامه دار و حقیقی شده در دار وجود، مفقودالاثار و بی هویت و بی برکت نباشد، بلکه در هر مکان (8) و هر زمان، (9) مبارک گردد و کوثرشناس کوثرمنش، کوثر روش و کوثر گرایش و خود کوثری شود که از هرچه تکاثر و کثرت است رهایی یابد و به مقام کوثر و وحدت دست یازد. غرض این است که انسان وامانده در طبیعت و سرگشته کوی مادیت و طوفان زده در صحرای حیرت و فارغ از هویت و هستی خویش، ولی تشنه آب حیات و شیفته کمال، طمأنینه، سکونت و یقین و سعادت حقیقی و خوش بختی واقعی در پرتو بصیرت و تفقه به شخصیت جامع الاطراف فاطمه علیهاالسلام و تأسی به بینش، منش و روش زندگی او، در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، راه نجات، رشد، فلاح، صلاح و رستگاری در پیش گیرد و با قراردادن آیین فاطمی پیش روی خویش و تابلوی زیبا و نورانی و ماندگار آن یادگار پیامبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، به خویشتن شناسی، خویشتن یابی، بازشناسی و بازسازی وجود خود پرداخته، به خودیابی و بازیابی خویش و نقد و تأویل هستی و حیاتش بپردازد؛

چه اینکه فاطمه علیهاالسلام در همه ساحت های عقلانی، نفسانی و جسمانی و ابعاد برهانی و عرفانی، بینش اسلامی و بصیرت دینی و معرفت اجتماعی و عدالت خواهانه و ولایت شناسی و ولایت یابی الگویی کامل است و علم و عمل، ایمان و خردورزی، و عقل و عشق را در حیات نورانی خود به ظهور رسانده است. پس معیار کمال هر چیزی همانا هستی اولی و ذاتی شیء است، نه هستی مادی ثانوی و عرضی آن؛ زیرا حقیقت هر چیزی را صورت نوعیه آن ترسیم می کند که حاکی از نحوه هستی اوست، نه اوصاف بیرونی اش که ترجمان نحوه ارتباط او به خارج از حقیقتش می باشند؛ و کمال ذاتی انسان، که همان هستی آگاه و فعال اوست، به نحوه اندیشه های صحیح است که از مبادی عالی دریافت می کند و به نحوه نیت و اراده تدبیر بدن و جهان طبیعت است که همان عقل نظری و عقل عملی او را تشکیل می دهد.

و اگر حضرت فاطمه علیهاالسلام سیده زنان جهانیان است و غیر از حضرت علی علیه السلام احدی همتای او نمی باشد تنها به لحاظ کمال وجودی آن بانوست، نه به لحاظ پیوندهای اعتباری او. (10)

در این نوشتار، برآنیم که چنین انسان کاملی را از زبان انسان کامل، و قرآن ناطق را از زبان و طریق قرآن صامت شناسایی کنیم و فضایل و کرامت وجودی و اوصاف جمالی و جلالی فاطمی را از محضر پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام جست وجو نماییم. موضوع فاطمه علیهاالسلام و لیلۃ القدر از یک سو، معسور و مشکل بودن معرفت به شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام؛ و از سوی دیگر، میسور و ممکن بودن ادراک نسبی و همسان با مرتبه وجودی خودمان را نشان می دهد تا بر محور «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ

فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا» (11) و مدار «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا» (رعد: 17)، به حضور وجودی کوثری و کوثر وجودی اش باریابیم، تا به قدر سعه وجودی خویش، معارفی، حقایقی و انواری فراچنگ آوریم و فراروی ارباب فضل و فیض و اصحاب کمال و کرامت و مشتاقان کوی ولایت قرار دهیم.

سِرِّ قَدَر و قَدَر (فاطمه علیها السلام و لیلة القدر)

گرچه قدرشناسی و فاطمه شناسی به آسانی فراچنگ نمی آید، اما اندکی تلاش و خلوص در کاوش های قرآنی و کاوش در پژوهش های وحیانی، چه وحی وجودی و تکوینی و چه وحی تدوینی و تشریعی، به تدریج ما را به سوی ادراک فاطمه علیها السلام و قدر به پیش می برد. آن گاه که به برخی ویژگی های مشترک و وحدت وجودی و تساوی، بلکه تساوق فاطمه علیها السلام و قدر بیندیشیم، به راز و رمزها پی خواهیم برد؛ از جمله:

الف. فاطمه علیها السلام انسان کامل تکوینی است، و قرآن کریم کلام تدوینی جامع، که فاطمه علیها السلام صورت عینیّه و تکوینیّه قرآن کریم و قرآن صورت تدوینیّه و علمیّه فاطمه زهرا علیها السلام است؛ چه اینکه اهل بیت وحی علیهم السلام جامع کلام تکوین و تدوین و واجد کتاب حقیقت و شریعت و شامل نشئه حقیقی و اعتباری اند؛ یعنی انسان کامل جامعِ عوالم کلی عقل، مثال و ماده و باید و نباید در نظام تشریع است که مرحله اعلا و برین آن به «کتاب مبین» و «امّ الکتاب» منتهی می گردد و موجود عینی است، نه اعتباری، و تکوینی است، نه تدوینی؛ که انسان کامل کون جامع و صاحب همه نشئات وجودی است که حتی فرشتگان شأنی از شئون وجودی اویند، تا چه رسد به مراتب دیگر هستی. (12) از این رو، فاطمه زهرا علیها السلام واجد همه مراتب نظام خلقت و شریعت است. فاطمه زهرا علیها السلام از باب اینکه قرآن در حقیقت وجود و گُنه و وعاء هستی اش تجلّی یافت، ظهور قرآن و در نتیجه، ظهور علم الهی است (13) تا همه مقامات وجودی را در قوس نزول و صعود دارا باشد. فاطمه علیها السلام و قدر عین هم و مفسّر حقیقت وجودی هم هستند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ عَرَفَهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيتِ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخُلُقَ فُطِمُوا عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا.» (14)

استاد علامه حسن زاده آملی می نویسند: «مبانی عقلی و نقلی داریم که منازل سیر حَبّی وجود، در قوس نزول، معبّر به لیل و لیالی است؛ چنان که در معارج ظهور صعودی، به یوم و ایام؛ بعضی از لیالی لیالی قدرند و بعضی از ایام ایام الله. از این اشارت در «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: 11) و در حدیث مذکور و نظایر آن ها تدبّر بفرما، اقرأ و ارق. این فاطمه علیها السلام، که لیلة القدر یازده کلام الله ناطق است، که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حق معرفت به آن حضرت پیدا کند، یعنی به درستی او را بشناسد، لیلة القدر را ادراک کرده است...» (15)

در تفسیر فرات کوفی آمده است: محمّد بن قسم بن عبید به اسناد مُعْنَعَن از اَبی عبد الله (حضرت امام صادق علیه السلام)، ما را حدیث کرده که آن جناب در تفسیر سوره مبارکه «قدر» فرموده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» لیلّه «فاطمه» است و قدر «الله» است؛ کسی که فاطمه را آن سان که حق معرفت اوست شناخت، همانا که لیلة القدر را ادراک کرده است. (16)

حال چنان که قرآن ظاهر و باطن، و محکم و متشابه دارد، فاطمه علیها السلام نیز دارای چنین مراتب و ظهور و بطونی است که نه قدر «قدر» را می توان به حقیقت شناخت و نه قدر فاطمه علیها السلام را می توان فهمید و فهماند و قدرشناسی کرد، که الفاطمة، مال الفاطمة و ما ادْرِیْک مال الفاطمة؟!!

ب. لیلۃ القدر ظرف تقدیر الهی در تکوین و تشریع و برای عالم و آدم است و ولایت علی علیه السلام در چنین شبی تقدیر شد که ام و روح لیالی قدر زمانی است و پیش از آسمان ها و زمین است و فوق آن ها. در کتاب معانی الاخبار با اسناد خود به مفضل بن عمر آورده است: «ذکر عند ابو عبدالله علیه السلام «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» قَالَ: مَا أَبَيَّنَ فَضْلُهَا عَلَيَّ السُّورَ. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ فَضْلُهَا؟ قَالَ: نُزِلَتْ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا. قُلْتُ: فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي نَرْتَجِيهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ قَالَ: نَعَمْ، هِيَ لَيْلَةُ قُدْرَتِ فِيهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ قُدْرَتِ وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِيهَا.» (17) انسان کامل، هم ظرف حقایق قرآنی است و هم صاحب ولایت کلیه و مطلقه تا قوام وجود به آن روح کلی قرار گیرد که لیلۃ القدر در همه ازمه و اعصار وجود دارد، «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان: 4) تا بر تجدد، استقبال و استمرار دلالت نماید و ملائکه با روح القدس به اذن پروردگارش سال به سال در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله بر آن جناب نازل شوند و پس از رحلت آن حضرت بر کسانی که از حیث صفات وجودی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحدت شخصیتی و وجودی دارند و خلیفه الهی و خلیفه رسول خداوند نازل گردند که چنین بود، هست و خواهد بود و سرّ نزول فرشتگان بر فاطمه زهرا علیها السلام نیز دانسته خواهد شد؛ (18)

چنان که فرمودند: با سوره قدر بر امامت ما احتجاج کنید و بدانید که در بحث و استدلال پیروز می شوید؛ چون پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حجت خدا بر خلق او همین سوره است. این سوره سرور دین و بزرگ ترین دلیل مذهب شما و نهایت دانش ماست. امام باقر علیه السلام فرمود: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا سُورَةَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تَفْلِحُوا. فَوَاللَّهِ إِنَّهَا لَحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَغَايَةُ عِلْمِنَا...» (19)

پس فاطمه زهرا علیها السلام انسان کاملی است که قرآن بر او نازل گردیده و فرشتگان بر او نازل شده اند و در هر عصر، انسان کامل آن عصر محل نزول ملائکه و میزبان آن ها خواهد بود. (20) تمام فرشتگان طواف کننده فاطمه علیها السلام در شب قدرند و شب قدر تکرار شونده خواهد بود (21) و اساسا فرشتگان با اراده انسان کاملی همچون فاطمه علیها السلام نیز نزول و عروج دارند و در خدمت اویند. (22) پس در لیلۃ القدر، تقدیر و سرنوشت نظام وجود رقم می خورد و فاطمه زهرا علیها السلام ظرف تحقق و تعین این تقدیر الهی است و واسطه فیض و فضل الهی به عالم و آدم و جهان غیب و غیب جهان، و همه چیز هستی از مدار وجودی او و مجرای هستی اش تشخص می یابد و هزاران نقش بر لوح عدم از قاف قدرت الهی و قلم خداوندی از رهگذر و نسیم قدسی وجود آن عزیز الوجود رقم خورده است.

مرحوم طباطبائی رحمه الله نیز مراد از «قدر» در «لیلۃ القدر» را تقدیر الهی در همه هستی و استمرار و تداوم آن دانسته اند. (23) تفسیر نمونه نیز تقدیر همه چیز و رابطه تقدیر در شب قدر با اراده و اختیار انسان و نزول قرآن و نسبت و ترابط و تعامل تقدیر در شب نوزدهم، تحکیم در شب بیست و یکم و امضا و تثبیت در شب بیست و سوم را شرح می دهد. (24) از این ها می توان نسبت انسان کامل با لیلۃ القدر و نسبت آن دو با سرنوشت انسان و جهان را به خوبی شناخت و نقش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در هندسه هستی و لیلۃ القدر بازیافت.

ج. شگفت آور است که بدانیم، هم شب قدر از حیث هویت وجودی و ماهیت مجهول است و به آسانی فهم حقایق آن روزی هر کسی نخواهد شد مگر صلاحیت علمی و عملی برای سالک کوی قدر و هم حقیقت ذات و وجود فاطمه علیها السلام مجهول است، مگر برای اوحدی از انسان ها که در درجه اول، انسان های کامل هستند

و آن گاه با حفظ مراتب وجودی، اولیای الهی و بندگان صالح و صاحب مقام ولایت در درجه دوم. اما شب قدر مخفی است، به دو دلیل:

1. اهمیت بخشی و مراقبت از شب قدر تا بهترین و بیشترین بهره وری برای اهلش حاصل آید.
2. عظمت و فخامت شب قدر و میزان تأثیرگذاری آن در جهان خلقت و شریعت و بدین سان، اولیاءالله در میان خلق و مؤمنان پنهان هستند و اینکه فاطمه زهرا علیهاالسلام ناشناخته ماند و در زمان حیات ظاهری اش، مجهول و مظلوم واقع شد و پس از ارتحال از جهان فانی به سوی جهان باقی نیز قبر مطهرش مجهول و ناشناخته است، خود حکایتی از عظمت و اهمیت این شخصیت ممتاز اسلامی در سرنوشت فرهنگی سیاسی جهان اسلام و آیتی بر حقانیت اسلام امامت، ولایت و اندیشه، و انگیزه و عمل شیعه خواهد بود تا هماره عقول و قلوب را به سمت خویش معطوف دارد و تاریخ بشریت را از گذشته تاکنون و آینده، متوجه خویش سازد و این خود سِرّی از اسرار آفرینش و راز سر به مهر کتاب خلقت و شریعت و جهان تکوین و تشریع است.

قرآن شناس راستین یا شارح شریعت (فاطمه علیهاالسلام و قرآن)

انسان کاملی چون صدیقه طاهره علیهاالسلام عالم به قرآن، عامل به قرآن و حامل قرآن کریم است و درجات قرآن با معارج انسان کامل تطابق دارد و نسبتی تام و تمام در میانشان برقرار است و تمامی حقایق و معارف قرآنی به نحو اتم و اکمل، در انسان کامل و از جمله فاطمه زهرا علیهاالسلام مجتمعدند؛ چه آنکه او «قول ثقیل» را در ثقل علمی و عملی اش تحمّل کرد: «إِنَّا سَلَقْنِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مَزْمَل: 5) علامه طباطبائی رحمه الله قول ثقیل را «قرآن عظیم» دانسته که از حیث تلقّی و دریافت معنای آن (ثقل علمی) و از حیث تحقّق به حقیقت توحیدی (ثقل عملی) «ثقیل» خوانده شد (25) و تنها انسان کامل حامل و وارث ثقل علمی و عملی آن و انسانی همچون فاطمه زهرا علیهاالسلام، که «بتول» خوانده شد و در فرازی از سوره مَزْمَل پس از آیه یاد شده نیز سخن از «وَتَبَيَّنَ إِلَيْهِ تَبَيُّلًا» (مَزْمَل: 8) آمده، مشعر به این معناست که انسان بتول توان تلقّی و تحمّل و تحقّق قول ثقیل را داراست و البته راه اعتلای انسان به فهم خطاب محمدی صلی الله علیه و آله نیز مسدود نخواهد بود؛ باید استکمال عقلی و باطنی داشت و مقامات معنوی و فتوحات غیبی نمود و حجاب زدایی از ملک تا ملکوت کرد و در پرتو نور آفتاب ولایت و عنایت انسان کامل، به خزاین اسرار و علوم الهی راه یافت. (26)

به هر تقدیر، فاطمه علیهاالسلام و قرآن به هم سرشته و درهم تنیده اند و «لَنْ يَفْتَرَقَا» (27) هستند و او همه کمالات را از جهات چهارگانه دارا بود؛ یعنی نزهت از نقص در وجدان کمال و رها شده، مصون از عیب در مقام دارایی کمال، و در دو مقام حدوث و بقا نیز واجد کمال امکانی و وجودی بود که به تعبیر استاد جوادی آملی، «زیرا نه فاقد کمال هستند تا در حوزه تکامل آنان نقص راه یابد و نه آنچه دارند آفت زده است تا در قلمرو تعالی آن ها عیب رخنه نماید و نه در مرحله حدوث، فاقد فضل و فیض ویژه بوده اند که مسبوق به نقص باشد و نه در نشئه

بقا فاقد فوز و فیض می شوند تا ترقی آنان ملحق به نقص یا عیب گردد. این مقام جمع الجمعى مرتب را می توان از عدیل بودن آنان با کتاب بی بدیل الهی یعنی قرآن استنباط کرد.» (28)

حال، نسبت فاطمه علیها السلام و قرآن کریم را در چند نکته توضیح می دهیم:

نکته اول: چنان که قرآن کریم یا قرآن صامت و وحی مُنزل الهی دارای صفات ثبوتیه و سلبيه یا جماليه و جلالیه است، فاطمه زهرا علیها السلام نیز دارای صفات مشترک با قرآن در دو بعد ایجابی و سلبی و جمالی و جلالی است. چنان که قرآن نور است (29) فاطمه علیها السلام نیز نور است، خداوند نیز نور است. (30) این وحدت نوری بین آفریننده فاطمه علیها السلام و قرآن و متکلم با کلام تکوینی (فاطمه علیها السلام) و کلام تدوینی (قرآن) نکته ای است بس مهم. قرآن قول فصل (31) است و فاطمه علیها السلام نیز فصل الخطاب؛ قرآن هدی (32) است، فاطمه علیها السلام نیز هدایت کننده انسان؛ قرآن رشد، (33) حق، (34) کریم، (35) شفاء، (36) رحمت، (37) برهان، (38) عزیز، (39) حکیم، (40) مطهر، (41) غیر ذی عوج، (42) ذکر، (43) مصدق، (44) عظیم، (45) بیان، (46) و قیّم (47) است، فاطمه علیها السلام نیز بر اساس نصوص حدیث و مجامع روایی و بخصوص متن دعای «زیارت جامعه کبیره» رشد، حق، کریم، شفاء، رحمت، برهان، عزیز، حکیم، مطهر، غیر ذی عوج، ذکر، مصدق، عظیم، بیان و قیّم، که دعاها و خطبه های حضرتش نیز از حیث علمی و فعل و تقریر، و سیره عملی ایشان از حیث عملی، دلالتی تام بر این صفات وجودی می نمایند.

نکته دوم: فاطمه علیها السلام از راسخان در علم (48) و تأویل شناسان و تأویلگران (49) قرآن کریم و قرآن شناسان و مفسران قرآن کریم (50) می باشد که سیر معرفتی سلوکی حضرتش از ظاهر قرآن و الفاظ کتاب وحی الهی تا اُمّ الکتاب و کتاب مکنون و لوح محفوظ کشیده شده است. فاطمه علیها السلام تمامی مراتب لیلۃ القدر را داراست و در باب علم و عرفان فاطمه علیها السلام به قرآن، توجه به حدیث ذیل یک ضرورت و خود گویای مقام قرآن شناسی و معرفت به همه مدارج و معارج وحی الهی و مقامات قرآنی است.

خود زجاجة وحی و میوه نبوت، اُمّ الائمه المعصومین، سیده نساء العالمین، فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله، فرمود: «ستایش خدای را که مرا منکر امری از کتابش قرار نداده و در هیچ حقیقتی از امر کتاب مرا سرگردان ننموده است.» (51) و یاد آورده اند: «زنی خدمت حضرت صدیقه علیها السلام رسید و سؤالی کرد و جواب شنید تا ده سؤال؛ خجلت کشید، عرض کرد: بر شما مشقت نباشد. فرمود: اگر کسی اجیر شود که باری را به سطحی ببرد به صدهزار دینار، آیا بر او سنگین است؟ عرض کرد: نه. فرمود: من اجیر شده ام برای هر مسئله به بیشتر از مابین زمین و عرش که از لؤلؤ پر شود.» (52)

حال چگونه او مفسّر و مبیین قرآن نباشد که قرآن فرمود: «إِلَّا الْمَطْهُرُونَ» (واقعہ: 76) و قرآن نیز مصداق «مطهرون» را معرفی نموده (53) که حضرت فاطمه علیها السلام از جمله مطهرون است و با ظاهر و باطن قرآن مساس دارد و معارف بیکران قرآن بر او مکشوف و معلوم است. (54) پس درس دین شناسی و درد دین داری و مکتب قرآن شناسی و قرآن مداری هر آینه در مکتب فاطمه علیها السلام قرار دارند.

نکته سوم: قرآن کریم در ترسیم و تصویر سیمای ملکوتی فاطمه علیها السلام و چهره نورانی و رحمانی اش، مشحون از آیات است که به حسب تفسیر، تأویل، تطبیق و با تکیه بر مجامع روایی و حدیثی، بر مقامات معرفتی و معنوی آن حضرت دلالت تام و کامل دارند، و از جمله آیات الهی، آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: 33) است که اراده در «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» اراده تکوینی است؛ (55) خدای سبحان با اراده تکوینی تخلف ناپذیر خود، موهبت طهارت از هرگونه رجس را، خواه در اندیشه های عقل

نظری و خواه در نیت و اراده های عقل عملی، به اهل بیت عصمت علیهم السلام اعطا نمود و «انما» نیز اقتضای حصر دارد و تطهیر تکوینی را تنها به آن ذوات طاهره اختصاص داده است، و «یُرید» دلالت بر دفع هرگونه رجس است، نه رفع آن و با دوام و استمرار فیض، اذهاب رجس سازگار است. (56)

و در آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: 61)، که دلالت بر مظهر جمال و جلال الهی بودن اهل بیت علیهم السلام و از جمله، فاطمه زهرا علیها السلام دارد، جلال و جمال فاطمه علیها السلام همتای جلال و جمال علی علیه السلام قلمداد شده است (57) و به تعبیر استاد حسن زاده آملی، آیه مباهله دلالت بر تفضیل فاطمه معصومه علیها السلام بر همه زنان عالم دارد. (58)

البته آیاتی همانند 92 آل عمران، 6 و 23 انسان، سوره کوثر، فرازهایی از سوره الرحمن و مطففین، که بر بحر نور و وحدت و مقام مقربین و ابرار و اصحاب یمین دلالت دارند و به صورت کامل و اظهر بر شخصیت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دلالت می نمایند، هر کدام نشانه هایی از آن بی نشان اند تا ما را به عمق و ژرفای وجودی فاطمه زهرا علیها السلام دلالت نمایند.

پس قرآن کریم معرّف و مفسّر شخصیت فاطمه علیها السلام و فاطمه علیها السلام نیز مفسّر و مبین قرآن کریم است که دو قرآن ناطق و صامت همدیگر را تفسیر می نمایند و این بیانگر وحدت وجودی و جوهری آیات بینات و وحی الهی با بقیه النبوه و پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد که او تفسیر قرآن و قرآن تفسیر اوست؛ یعنی قرآن فاطمه مجسم و معین و مدوّن و فاطمه علیها السلام قرآن مجسم و معین و مکون است، که القرآن مع الفاطمة و الفاطمة مع القرآن.

فاطمه و محمد و علی علیهم السلام ؛ روح واحد نور واحد

عرفان به فاطمه علیها السلام قرین و رهین عرفان به محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نیز می باشد؛ چه اینکه در انسان کامل بودن، در لیلۃ القدر و یوم الله بودن، در معصوم و حجت الهی بودن، در خلیفه الله بودن و در نور واحد بودن، مشترک و دارای صفات وجودی واحدی اند و فاطمه علیها السلام غیر از اینکه پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله ، میوه دل و نور چشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، از باب اینکه کفو علی علیه السلام می باشد و کفو او نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، او نیز نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است.

علاوه بر این، در تفسیر انفسی «لیلة القدر» آمده که لیلۃ القدر همانا بنیه محمدی است که از آن به «صدر محمد صلی الله علیه و آله» تعبیر شده؛ چنان که در تفسیر عرائس البیان آورده اند: «لیلة القدر هی البنیة المحمدیة حال احتجابه علیه السلام فی مقام القلب بعد الشهود الذاتی لأنّ الانزال لا یمکن الا فی هذه البنیة فی هذه الحالة. و القدر هو خطرہ علیه السلام و شرفه اذ لا یظهر قدره و لا یعرفه هو الا فیها.» (59)

و در بیان السعادة، از «بنیه محمّديه» به «صدر محمّد صلى الله عليه و آله» تعبیر نموده و گفته است: «فی ليلة القدر التي هي صدرٌ محمّد صلى الله عليه و آله» (60) و یا استاد علامه حسن زاده آملی مرقوم داشته اند: «و إذا دريت أنّ بقية النبوة و عقلية الرسالة و ودیعة المصطفى و زوجة وليّ الله و كلمة الله التامة فاطمة عليها السلام ذات عصمة ...» (61)

علی علیه السلام نیز در توصیف آل النبی صلی الله علیه و آله می فرماید: «هُم موضعُ سرِّه و لجأ أمره و عیبه علمه و مؤمل حکمه و كهوف کُتبه و جبال دینه. بهم أقام انحناء ظهره و أذهب ارتعاد فرائضه. لا یُقاس به آل محمّد صلی الله علیه و آله من هذه الأمة أحدٌ و لا یُسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابدًا. هُم أساسُ الدین و عمادُ البقین، إلیهم یفیءُ العالی و بهم یلحقُ التالی و لهم خصائصُ حقّ الولاية و فیهم الوصیّة والوارثه ...» (62) در توصیف های امام علی علیه السلام ، چند مطلب مهم وجود دارد:

الف. اهل بیت علیهم السلام جایگاه سرّ، صندوق دانش، ملجأ حکم و کشف های کتاب خدا و کوه های دین اند که پشت خم شده دین به ایشان راست گردیده و لرزش پشت آن بدان ها آرام گشته است.

ب. احدی از این امت قابل قیاس با آنان نیست؛ که ایشان اساس دین و استوانه های یقین هستند؛ که آنان واجد حق ولایت اند و در آن ها وصیت و وراثت موجود است.

پس هرگونه کمال علمی و عملی از همتایی آنان با قرآن کریم، همانندی آن ها با کشتی نوح، آمد و شد ملائکه و معدن علم و حکمت و جز آن برای حضرت فاطمه علیها السلام نیز وجود دارد و نیز از طریق شناخت شخصیت ممتاز و برجسته حضرت علی علیه السلام نیز توان ورود به خانه وجود و شخصیت حقیقی فاطمه علیها السلام حاصل خواهد شد؛ چه اینکه در حدیث آمده است: قال مولینا جعفر بن محمّد الصادق: «لولا أنّ الله تبارک و تعالی خلق الامیر المؤمنین علیه السلام لفاطمة علیها السلام ما کان لها کفوٌ علی ظهر الارض من آدم و من دونه.» (63)

و یا در حدیث آمده است که «لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمة لما خلقتکما.» (64) و یا اینکه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مصداق آیه ولایت، مباهله، ذی القربی و تطهیر هستند و کلمه الله، صراط الله، حبل الله، اسماء الله و وجه الله نیز خوانده شده اند. حال آیا شناخت فاطمه علیها السلام با محمّد شناسی و علی شناسی گره نخورده است؟ و یا امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: «أینا أحبّ الیک؟ أنا أو هی؟ قال: هی أحبّ الی و أنت أعزّ علیّ»؛ (65) کدام یک از ما نزد شما محبوب تریم: من یا فاطمه؟ حضرت فرمود: فاطمه محبوب تر است و تو عزیزتری. به تعبیر استاد جوادی آملی، چون هر کدام به نوبه خود مصداق کوثرند که خدای سبحان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا فرمود و کوثر، که عطا و یژه الهی است، هم محبوب است و هم عزیز. (66)

و یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمة بضعة منی، یسرّنی ما یسرّها و یغضبّنی ما یغضبّها.» (67) از سوی دیگر، فاطمه زهرا علیها السلام صاحب مقام ولایت است که مقام معرفت تام و یقینی به ذات قدسی خداوند سبحان و فنای عالم و آدم در حضرت حق و شهود هستی به عنوان تجلّی خدا و ملک طلق حضرت حق می باشد و صاحب ولایت به مقام نبوّت تعریفیه یا انبائیّه رسیده که نبوّت یاد شده غیر از نبوّت تشریعیّه است؛ چنان که استاد حسن زاده آملی نیز مرقوم داشته اند: «یجب الفرق والتمییز بین النبوتین التشریعیّة والانبائیّة. فإنّ النبوة التشریعیّة قد خُتمت بالرسول الخاتم محمّد صلی الله علیه و آله ، فحلاله حلالٌ الی یوم القیامة، و حرامه حرامٌ الی یوم القیامة، و أمّا النبوة الانبائیّة المُسمّاة بالنبوة العامّة، والنبوة التعریفیّة والنبوة المقامیّة ایضا

فَهِی مُسْتَمِرَّةٌ إِلَى الْاَبَدِ یَنْتَفَعُ مِنْ تِلْکَ الْمَأْدُبَةِ الْاَبَدِیَّةِ کُلُّ نَفْسٍ مُسْتَعِدَّةٌ لِّاِنْ تَسْمَعَ الْوَحْیَ الْاِنْبَآئِیَّ، فَافْهَم!» (68) ایشان در تفسیر «کَهِفَ قَرَّآنَ کَرِیْم» نیز با استناد به آیه «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِّن لَّدُنَّا عِلْمًا» (کَهِف: 65)، مقوله انبیای تشریع و انبیای علم و سلوک را طرح و تبیین کرده اند (69) و اگرچه حضرت علی علیه السلام هنگام غسل دادن بدن مطهر رسول الله صلی الله علیه و آله خطاب به آن حضرت فرمود: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقُطْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ مِنَ النَّبَوَّةِ وَ الْاِنْبَاءِ وَ اْخْبَارِ السَّمَاءِ» (70) که ناظر به ختم نبوت و خاتمیت و اکمال دین و نبوت تشریعی است و پایان نزول وحی مخصوص رسالت اعلام شده، اما اصل نزول جبرئیل و القای وحی به انسان کامل از حضرت فاطمه علیها السلام و امامان علیهم السلام نفی نشده است؛ چنان که در بحث فاطمه علیها السلام و لیلۃ القدر اشارتی بدان شد (71) و سیر ضرورت نزول وحی و فرشتگان بر انسان کامل از القای معارف و حقایق غیبی تا تحت ولایت و فرمان بودن فرشتگان برای انسان کامل، بلکه فرشته، شأنی از شئون وجودی انسان کامل است و عرضه اعمال امت به انسان کامل دانسته شده است. (72)

از این روست که نبوت، امامت و ولایت به هم گره خورده اند و وجود یکی علت وجود دیگری خواهد بود. با عنایت به جهات و حیثیات بحث و از مقوله نبوت موهوب، عصمت غیراکتسابی، وحی غیرارادی، تداوم ولایت به وجود فاطمه علیها السلام و صیانت از ولایت تا مرز شهادت از سوی حضرت فاطمه علیها السلام، خود تفسیری بر پیوند وجودی محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام خواهد بود که مقامات باطنی، صفات وجودی و امتیاز ویژه ذوات مقدس را روشن می نماید که در حدیث آل عبا نیز مندرج است و این بخش نوشتار به گوشه ای از این پیوند وجودی اشاره داشت، ولی بحث تفصیلی آن مقام و موقعیتی دیگر می طلبد تا مبانی عقلی، نقلی و عرفانی اباحت طرح شده نیز روشن گردند.

کوثر آفرینش (فاطمه علیها السلام و فضایل الهی انسانی)

چنان که از مباحث مطرح شده فضایل، سجایا و مکارم اخلاقی و مقامات علمی و عملی صدیقه طاهره علیها السلام به نحو اجمال تبیین شد و روش بحث نیز بهره وری از آیات و احادیث بود، در این فصل نیز دست کم به دو نکته مهم پرداخته می شود:

الف. خطبه ها، ادعیه، نیایش ها و روایات حضرت زهرا علیها السلام حکایت از عمق اندیشه، بصیرت دینی و معرفت اسلامی، جامعیت دین شناختی، روحیه عرفانی، انس و ارتباط با خدا و معنویت گرایی اصیل، ژرف اندیشی در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن حضرت دارند و کافی است نیم نگاهی به مجموعه معارف فاطمی داشته باشیم تا صلاحیت علمی و عملی حضرتش را در اسوه قرار گرفتن برای همه انسان ها در همه عصرها و نسل ها متوجه شویم که این خود بحث مستقلى می طلبد.

ب. توجه به برخی آیات و احادیث نبوی و مجموعه سخنانی ارزشمند از امامان معصوم علیهم السلام در تبیین

اوصاف و فضایل فاطمی که در این فصل مورد توجه واقع خواهند شد تا گوشه هایی از شخصیت نورانی حضرتش و رقیقه ای از حقیقت وجودی فاطمه زهرا علیهاالسلام روشن گردد:

1. فاطمه علیهاالسلام کوثر اعطا شده از سوی خدای سبحان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امت ختمیه است که سوره کوثر در شأن و شخصیت آن حضرت نازل شده: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر: 1) (73)
2. فاطمه علیهاالسلام کلمه الله است: «فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ.» (بقره: 37) (74)
3. فاطمه علیهاالسلام مایه شادی دل و سرور نفس رسول الله صلی الله علیه و آله ، قرّه عین و اشک چشم در مقام شوق در پرتو نگاه رحمانی و عامل آرامش و آسایش جان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «تَسْرُّ بِهَا (75) تَقَرُّ بِهَا عَيْنِي» (76) و «يَطْمئنُّ بِهَا قَلْبِي.» (77)
4. فاطمه علیهاالسلام از مقربان و السابقون (78) و اصحاب یمین (79) و ابرار (80) است. ویژگی های علمی و عملی، ایمانی و رفتاری اصحاب یمین و ابرار از زیرمجموعه های مقربان خواهد بود و فاطمه زهرا علیهاالسلام چون از مصادیق مقربان الهی است، همه آن ها را به نحو اتم و اکمل دارا می باشد. (81)
5. فاطمه علیهاالسلام شخصیتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصفش فرمود: «أُمُّ ابْنِهَا وَ فِدَاها ابوها» (82) و بر دست او بوسه می زد و همراه هنگامی که فاطمه علیهاالسلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد، برای او بلند می شد و به سوی او می رفت؛ «قَامَ إِلَيْهَا» (83) و در هنگام هجرت، مسافرت و جهاد، آخرین منزلی که ترک می کرد منزل فاطمه علیهاالسلام بود و اولین منزلی که بدان وارد می شد منزل فاطمه زهرا علیهاالسلام بود (84) که این غیر از ارتباط پدر و فرزندی و انس عاطفی، حکایت از امتیاز وجودی و برتری سیده نساء عالمین می نماید که به تعبیری:
این محبت از محبت ها جداست
حبّ محبوب خدا حبّ خداست.
6. فاطمه علیهاالسلام از حیث مرتبه وجودی و نسبت حقیقی با خدا و رسولش، به مقام و منزلتی رسید که فانی فی الله شد و مظهری از اسماء جمال و جلال الهی گشت، به گونه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خشنودی فاطمه، خشنودی من و غضب او، غضب من است. (85)
7. فاطمه علیهاالسلام شخصیتی است که پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله در اوصاف و فضایل او تعبیری به کار برده اند که هر کدام از آن تعبیر آیتی بر مرتبه ای از مراتب شخصیتی حضرت زهرا علیهاالسلام است. در اینجا، تنها به برخی از آن ها اشاره می کنیم:
اولین شخصی که در بهشت بر من وارد می شود فاطمه است. (86)
همانا خداوند از رضایت تو راضی، و از خشم تو خشمگین می شود. (87)
دخترم فاطمه حوریه ای است که صفات جسمی زنانه ندارد. (88)
فاطمه سرور زنان در روز قیامت است. (89)
او سیده زنان اهل بهشت است. (90)
فاطمه بخشی از وجود من است. (91)
- ای فاطمه! آیا خشنود نیستی که سرور زنان جهانیان و سرور زنان این امت و سرور زنان اهل ایمان هستی؟ (92)
از سوی دیگر، اوصاف و اسماء فاطمه زهرا علیهاالسلام هر کدام ناظر بر مرتبه ای از هستی و شأنی از شئون وجودی اوست که نیاز به تدبّر و تفسیر دارد؛ مثل: فاطمه، صدّیقه، طاهره، زهراء، بتول، محدّثه و حوراء.

آنچه نیز در باب ایمان، جهاد فی سبیل الله، شجاعت و شهادت ایمانی و سیاسی و اجتماعی، عبادت و عرفان، خلوص، ایثارگری، وفای به عهد، توفیق در همسررداری، تربیت فرزند، حضور در صحنه های فرهنگی، اجتماعی و غیر آن ها از حضرت نقل شده است، خود بر جامعیت شخصیتی حضرت فاطمه علیهاالسلام و رشد متعادل و تربیت همه جانبه اش در مجاورت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خانه وحی و رسالت دلالت دارد و او را برترین و والاترین اسوه و الگویی برای اهل بصیرت، سعادت و کمال قرار داده است. (93)

فاطمه علیهاالسلام و انسان امروز (الگوی جاودانه)

یکی از دغدغه ها و پرسش های نسل جدید و جوان جامعه نوین این است که چه رابطه و نسبتی بین شخصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرایط، مقتضیات زمانی و مکانی و تحولات دنیای کنونی و دوران نوین وجود دارد؟ آیا در عصر جدید، می توان امثال حضرت زهرا علیهاالسلام را الگویی تمام عیار برای خویش قرار داد یا نه؟ و البته چه بسا شبهاتی نیز در این زمینه مطرح باشند. در ذیل، به اجمال و با پیوند محتوایی بحث با مباحث پیشین توجه به چند مسئله را به عنوان مسائل محوری مطرح می نماییم:

الف. موانع فرهنگی

1. عدم معرفی جامع، منطقی، عقلانی و زمان آگاهانه حضرت زهرا علیهاالسلام به نسل جدید؛
2. عدم توجه به ادبیات و زبان نو در طرح و تحلیل ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه علیهاالسلام ؛
3. عدم تنوع در روش و ارائه محصولات فرهنگی هنری در معرفی ابعاد شخصیتی حضرت زهرا علیهاالسلام ؛
4. عدم سنجش شرایط سنّی، استعدادی، تحصیلی و طبقات اجتماعی در الگوسازی از اندیشه، منش و روش فاطمه زهرا علیهاالسلام ؛
5. عدم تهذیب و پیرایش نقل های تاریخی و احادیث متنوع و گاهی متضاد درباره ابعاد وجودی فاطمه زهرا علیهاالسلام .

ب. عوامل فرهنگی علمی

1. تبیین همه جانبه شخصیت صدیقه طاهره علیهاالسلام با زبان نوین و ادبیات نوشتاری، گفتاری و سمعی بصری و ارائه آن به نسل جوان و تشنه الگوهای فراگیر و جاودانه؛
2. پاسخ گویی عالمانه همراه با شرح صدر به پرسش ها و شبهاتی که در اذهان نسل جدید وجود دارند.
3. اجتناب از افراط و تفریط در تبیین شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام و دوری از التقاط اندیشی، زمان زدگی و غرب زدگی از یک سو، و گریز از سطحی نگری، قشری گرایی، جمود و تحجر و زمان ستیزی از سوی دیگر؛ انسان کاملی همچون فاطمه زهرا علیهاالسلام را باید از چند منظر مورد سنجش و شناخت و آن گاه معرفی قرار داد:
الف. تبیین ابعاد و اوصاف چنین انسان کاملی برای اهل تخصص، حکمت و عرفان به وسیله محققان و پژوهشگران به صورت عمیق و اجتهادی و با تکیه بر قرآن و سنت؛
ب. تحلیل ابعاد وجودی حضرتش برای نسل میانه و طبقات متوسط از مؤمنان جامعه؛
ج. ارائه تصویر و تفسیری عقلانی، کاربردی و تأثیرگذار از تمام وجوه شخصیتی حضرت زهرا علیهاالسلام برای نسل جوان و طبقه نوجوان و روشن فکران جامعه بر حسب مرتبه علمی و جایگاه اجتماعی آن ها به زبان روزآمد و کارآمد و در عین حال، جالب و جذاب.
4. تبیین سیره علمی و عملی فاطمه زهرا علیهاالسلام، هوشمندی، عناصر جهادی و حماسی اندیشه و بینش فاطمی، حضور و ظهور منطقی، متعادل و زمان آگاهانه، مسئله شناسانه و دین مدارانه حضرت فاطمه علیهاالسلام در ساحت ها و عرصه های گوناگون اجتماعی.
ناگفته نماند از گذشته تاکنون تلاش های فراوانی در معرفی الگوی کامل فاطمی شده و کارهای متعددی صورت پذیرفته اند، اما کافی و ناظر به شرایط روز نبوده اند. واقعا اگر انسان کامل و تمام عیاری همچون فاطمه زهرا علیهاالسلام را دیگران داشتند، با او چسان معامله می کردند؟ به راستی، اگر شعاع شخصیت علمی و عینی صدیقه طاهره علیهاالسلام آنچنان که بایسته و شایسته اوست معرفی گردد و الگوشناسی و الگوسازی هویت و شخصیتش صورت پذیرد، جهانیان، بخصوص جوانان تشنه معرفت، معنویت، عدالت، موفقیت و پیشرفت، سعادت و کمال، پیرو او نخواهند شد؟
انسان ها دارای دو عقل نظری و عملی، قوای ادراکی و تحریکی، اندیشه و انگیزه، اراده و فعالیت های تدبیری و التذادی، ابعاد عقلانی و نفسانی و جسمانی، یا عقل و قلب و قالب هستند که معارف و معالم الهی و بشری نیز معطوف به آن هاست و هر انسان طالب کمالی در صدد آن است که در چنین عرصه ها و جبهه هایی تکامل یابد و توسعه وجودی پیدا نماید. حال اگر مقامات عقلانی، عرفانی و حکمتی حکومتی یا سیره فراگیر علمی و عملی فاطمه زهرا علیهاالسلام آنچنان که باید و شاید معرفی گردند در پذیرش عمومی و جلب توجه برای جامعه جوان و جهان جدید با همه رویکردها و رهیافت های گوناگون جذبه نخواهند داشت؟
بلکه با توجه به آنکه در جهان غرب پیش از قرون وسطا، و غرب عصر نوزایی (رنسانس) و غرب معاصر، که الگوهای مختلف را دیده و تجربه کرده است و حتی زنان و دختران غربی در پی گم شده خویش، آن هم در عصر نهضت های فمنیستی و ضد فمنیستی قرار دارند و روزگار وصل خویش را دنبال می کنند و از الگوهای محدود، متغیر، زوال پذیر، افراطی یا تفریطی خسته و وامانده اند، ضرورت الگوشناسی و الگوسازی بیش از پیش احساس

می گردد، و اگر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آن هم در بخش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مدیریتی، تربیت فرزند و صیانت جامع از کانون خانواده و حرکت بر اصل عقلانیت و عدالت، خردورزی و عاطفه محوری و مهرورزی و در عین حال، داشتن فردیت کامل و مستقل و تعادل و توازن در رشد و شکوفایی قوای وجودی حضرت فاطمه علیهاالسلام تبیین، تحلیل و ابلاغ گردد تحوّل شگرف و انقلابی فرهنگی و درونی ایجاد خواهد شد و فاطمه شناسی و فاطمه گروی در میان نسل امروز یک حقیقت تابنده و پاینده می گردد. پس در صورت ارائه تصویری روشن، درست، زمان شناسانه، نیازسنجانه، عالمانه و حساب شده از تمام هویت و ماهیت و شاکله و شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام و نگاهی تاریخی، جامعه شناختی، تربیتی و روان شناختی، معرفت شناسانه و در دسترس به حضرتش، شکاف و انقطاع نسل امروز با آن کوثر هستی و گوهر وجود و الگوی جاودانه برداشته خواهد شد و آن فصل و انقطاع به وصل و اتصال وجودی با او تبدیل خواهد گشت.

نتیجه گیری

فاطمه زهرا علیهاالسلام همچون لیلۃ القدر، حضوری مستمر، کارآمد و تأثیرگذار در همه عرصه های هستی دارد و ظرف وجودش ظرف تحقق اراده و مشیت الهی و افاضه فیض ربوبی است. او اگرچه به مثابه «قدر»، قدرش ناشناخته مانده است و باید تأویل حقیقت و کنه وجودش را در قیامت مشاهده کرد، اما به مقدار ممکن و میسر، باید به سراغ این انسان کامل مکمل و هادی و اسوه ابدی رفت و به او قرب وجودی یافت. فاطمه علیهاالسلام خود قرآن مجسم و وحی معین و از مفسران و تأویل شناسان و راسخان در علم است که مصداق «اولوالعلم»، «اولوالالباب»، «اوتوالعلم»، «اولوالایدی والابصار»، «اهل تفکر و تذکر»، برهان و عرفان یا عقل و عشق است و این همه حقایق معرفتی سلوکی در دریای هستی او متموّج اند و صلاحیت تام و کامل برای الگوبودن و اسوه انسان ها قرار گرفتن، تا خود معیاری برای صحت و قبولی و ارزش و اعتبار عقاید، اخلاق و اعمال یا نظام منسجم و به هم پیوسته و معرفت دینی قرار گیرد. (94) او، که در حکمت و سلوک، ولایت و امامت، جهاد و حماسه سازی، حضور بالقوه و بالفعل در متن جامعه، تفسیر دین، دین شناسی و دین داری، حکمت نظری و عملی، بینش و گرایش و دانش و منش، سرآمد روزگار برای تمام اعصار و امصار است و بقية النبوة و صراط مستقیم هدایت و کمال و آیت سعادت و علامت خوش بختی راستین و گنجینه علم، عقل و معنویت و نعمت فزاینده و تمام ناشدنی حضرت حق یا کوثر است، برای همه انسان های مشتاق کمال و کرامت و شائق فضیلت و شرافت، منبعی زلال از معرفت، محبت، عبودیت و ولایت به شمار می آید.

1. صفات: 164
2. نهج البلاغه، خطبه 1، ص 22.
3. همان، خطبه 49.
4. حسن حسن زاده آملی، گشتی در حرکت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ص 44108 و ص 304336.
5. همو، فصّ حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، (با ترجمه فارسی) قم، قیام، 1378، ص 2224.
6. شیخ علی نمازی، مستدرک صفینة البحار، تحقیق شیخ حسن نمازی، قم، جامعه مدرسین، 1419 ق، ج 8، ص 243 و ج 3، ص 169.
7. زینب فواز العاملی، معجم، اعلام النساء، ج 3، ص 1216.
8. مریم: 31.
9. ابراهیم: 22.
10. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، قم، اسراء، 1382، ج 2، ص 6870.
11. نهج البلاغه، حکمت 147.
12. ر. ک: عبدالله جوادی آملی، پیشین، ج 2، ص 108110 / همو، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج 1، ص 214223 / حسن حسن زاده آملی، ادب فنای مقربان، ج 1، ص 150151 / همو، انسان و قرآن، تهران، الزهراء، 1364، ص 138139.
13. حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص 136 / داود صمدی آملی، شرح دفتر دل، قم، نبوغ، 1379، ج 2، ص 497499.
14. هر کس فاطمه را آن گونه که سزااست بشناسد، لیلة القدر را درک کرده است و علت نام گذاری وی به فاطمه آن است که خلائق از کُنه معرفت فاطمه محروم و بریده شده اند. (حسن حسن زاده آملی، فصّ حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، (با ترجمه فارسی) قم، قیام، 1378، ص 2224).
15. حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص 213 / همو، شرح فصّ حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، چ سوم، قم، طوبی، 1382، ص 260261 / داود صمدی آملی، پیشین، ج 2، ص 492493.
16. همان، ص 212 و 261 / حسن حسن زاده آملی، هزار و یک کلمه، ج 3، ص 44 / داود صمدی آملی، پیشین، ج 1، ص 660662.
17. نزد امام صادق علیه السلام درباره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سخن به میان آمد، حضرت فرمود: چقدر فضیلت آن بر سایر سوره ها آشکار است! راوی می گوید: گفتم: چه فضیلتی دارد؟ فرمود: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن نازل شده است. گفتم: در شب قدری که امید داریم در ماه رمضان باشد؟ فرمود: بله، آن شب قدری است که آسمان ها و زمین و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن مقدّر شده اند. (حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص 242).
18. همان، ص 244245.
19. همان، ص 242 / محمّد بن یعقوب کلینی، کافی، ج 1، ص 249، ج 6 و نیز ر. ک: حسن حسن زاده آملی، ادب فنای مقربان، ج 1، ص 142.
20. همان، ص 249.
21. عبدالعلی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج 5، ص 639، ح 105.

22. حسن حسن زاده آملی، ادب فنای مقربان، ج 1، ص 153.
23. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 20، ص 470.
24. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سی و یکم، 1383، ج 27، ص 187189.
25. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج 20، ص 139.
26. ر. ک. به: حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص 120153.
27. ابو عیسی بن سوره، سنن ترمذی، ج 5، ص 434، ج 2813.
28. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 110.
29. نساء: 174.
30. نور: 35.
31. طارق: 13.
32. بقره: 185 و 2.
33. جن: 2.
34. فصلت: 42.
35. واقعه: 77.
36. یونس: 57 / اسراء: 82.
37. اسراء: 82 / فصلت: 2.
38. نساء: 174.
39. فصلت: 41.
40. فصلت: 42 / یس: 2.
41. بینه: 2.
42. زمر: 28.
43. حجر: 9.
44. آل عمران: 3.
45. حجر: 87.
46. آل عمران: 138.
47. کهف: 1 و 2.
48. آل عمران: 7.
49. همان.
50. احزاب: 33.
51. حسن حسن زاده آملی، فصّ حکمة عصمتیّه فی کلمه فاطمیّه، ص 65 / همو، شرح فصّ حکمة عصمتیّه فی کلمه فاطمیّه، ص 294.
52. همو، هزار و یک نکته، ج 2، نکته 932 / همو، شرح فصّ حکمة عصمتیّه فی کلمه فاطمیّه، ص 295.
53. احزاب: 33.

54. همو، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 7577.

55. همان، ص 7174.

56. حسن حسن زاده آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 74 / فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّه، ص 7677.

57. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 84.

58. همو، شرح فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّه، ص 193 و 203.

59. ليلة القدر بنیه محمّدی صلی الله علیه و آله با انسان کامل است که به واسطه آن به مقام «قلب» احتجاج شده است، پس از شهود ذاتی؛ چرا که انزال قرآن صورت نمی گیرد، مگر بر چنین قلب و سینه منشرح و به قدر بزرگی منزلت و جایگاه و شرف آن حضرت صلی الله علیه و آله می باشد و چنین سینه ای شایستگی آن را دارد که بر آن قرآن نازل شود و به سوی آن نزول قرآن صورت گیرد. (مقام قلب، مقام شهود حقایق اشیا به نحو تمییز و تفصیل است که پس از مقام روح می باشد که مقام روح مقام لفّ و جمع است و در آن امتیاز منتفی است).

60. به نقل از: حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص 216217 / همو، فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 24.

61. اکنون که فهمیدی بقیه نبوت و عقلیه رسالت و ودیعه مصطفی و زوجه ولی الله و کلمه تائمه الهی، فاطمه علیهاالسلام، حایز مقام عصمت است ... (حسن حسن زاده آملی، شرح فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 152).

62. آنان (اهل بیت پیامبر علیهم السلام) مرکز اسرار خدا، پناهگاه دستور و خزینه علم پروردگارند؛ آنان سرچشمه دستور خدا، نگهبان کتاب های الهی و پشتوانه دین خدایند. به وجود خاندان رسالت انحراف های دین برطرف می گردد و تزلزل آن فرو می نشیند. این خانواده اساس دین و تکیه گاه یقین اند. پیشگامان به آنان باز می گردند و عقب ماندگان به ایشان می رسند. این خانواده از امتیازات حکومت برخوردارند و سفارش های جانشین برای آن حضرت صلی الله علیه و آله و دریافت علوم و مال مخصوص ایشان می باشد. (نهج البلاغه، خطبه 2).

63. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی علیه السلام را برای فاطمه علیهاالسلام نمی آفرید برای فاطمه علیهاالسلام همتایی از آدم و غیر آن روی کره زمین نبود. (محمّد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج 1، کتاب «الحجه»، باب «مولد الزهراء»، ص 461).

64. ای محمّد صلی الله علیه و آله اگر تو نبودی عالم را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه نبود تو و علی را نیز نمی آفریدم. (محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 15، ص 28 و 29؛ ج 57، ص 19، 201؛ ج 60، ص 303 / عبدالحسین امینی، پیشین، ج 2، ص 300، ج 5، ص 435، میرزا حسین نوری طبرسی، پیشین، ج 2، ص 615. و نیز برای شرح و بسط و تفسیر حدیث مطرح شده، ر. ک: محمدعلی گرامی، لولا فاطمة).

65. امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: کدام یک از ما پیش تو دوست داشتنی تریم: من یا فاطمه علیهاالسلام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه را بیشتر دوست می دارم، ولی تو نزد من عزیزتری. (محسن الامین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 307 / احمد بن شعیب نسائی، خصائص، ص 37).

66. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 8485.

67. محسن الامین، پیشین، ج 1، ص 307 به نقل از: ابوالفرج اصفهانی، الاغانی.

68. باید بین دو نبوّت تشریعی و انبائی تفاوت قایل شد؛ زیرا نبوّت تشریعی به رسول خاتم محمّد صلی الله علیه و آله خاتمه یافت. پس حلال آن حضرت تا روز قیامت حلال است و حرام وی تا روز قیامت حرام. اما نبوّت انبائی،

که به «نبوّت عامّه» و «نبوّت تعریفی» و نبوّت مقامی نیز موسوم است، همیشه تا ابد مستمر است و از این سفره ابدی همه نفوس مستعد بهره مند می شوند تا از وحی انبائی بشنوند. فافهم. (حسن حسن زاده آملی، فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 26 / همو، شرح فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 324336).

69. همو، شرح فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 324336 / سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ج 13، ص 341385 / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 12، ص 520538 و ص 549552.
70. نهج البلاغه، خطبه. 235.
71. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج 3، ص 400413 / همو، زن در آینه جلال و جمال، ص 142181 / همو، ولایت در قرآن، ص 275320 / حسن حسن زاده آملی، ادب فنای مقربان، ج 1، ص 147.
72. حسن حسن زاده آملی، ادب فنای مقربان، ج 1، ص 150158.
73. ر. ک. به: المیزان / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 27، ص 376375 / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ج 5، ص 550 / حسن حسن زاده آملی، شرح فصّ حکمة عصمتیّة فی کلمة فاطمیّة، ص 134 و 142143 / عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 99107.
74. ر. ک. به: عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص 143144 / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، چ چهل و ششم، ج 1، ص 199 / فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج 1، ص 8889.
75. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 83، ص 67.
76. همان.
77. همان.
78. واقعه: 796.
79. منافقین: 1928.
80. انسان: 521.
81. سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ص 353357 و 213229 / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 26، ص 270281، ج 25، ص 342359 / مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج 6، ص 8794 و 219 تا 225.
82. شیخ صدوق، الامالی، مجلس 41، ج 7، ص 141.
83. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 751.
84. همان، ج 3، ص 750.
85. ابن قتیبّه، الامامة والسیاسة، ج 1، ص 14 / زینب فواز العاملی، پیشین، ج 4، ص 1214.
86. ابن صباغ، الفصول المهمه، ص 129.
87. محمد بن ابی بکر الشلی، المشروع الروی، ص 86.
88. محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص 26.
89. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج 2، ص 42.
90. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج 5، ص 20.
91. محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 96 / ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج 4، ص 336.
92. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 156.

93. در این زمینه، ر. ک. به: عذرا انصاری، جلوه های رفتاری حضرت زهراء / سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام / محمّد دشتی، نهج الحیاة فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام .

94. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج 2، ص 106107 / همو، زن در آینه جلال و جمال، ص 142144 / همو، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج 1، ص 3760.